



په ملی مرکز لپښتو، ولسوالۍ
د دولت لپښتو، ولسوالۍ

خود تزیینی زنان ترکمن

درآمدی بر انسان شناسی زیبایی شناسی

طیبه عزت اللهی نژاد

هوالحي

خودتزیینی زنان ترکمن

(درآهدی بر انسان شناسی زیبایی شناسی)

طیبه عزت اللهی نژاد

با مقدمه ناصر فکوهی



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

عزت‌اللهی نژاد، طیبه، ۱۳۵۷ -

خودتزیینی زنان ترکمن : درآمدی بر انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی/
نویسنده طیبه عزت‌اللهی نژاد ؛ با مقدمه ناصر فکوهی ؛ ویراستار
فریده نوری، مهناز احدی.

تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۹.

مشخصات نشر

۲۹۷ص.

مشخصات ظاهری

۳- ۲۴۰- ۴۵۲- ۶۰۰- ۹۷۸

شابک

فیپا

وضعیت فهرست نویسی

کتابنامه:ص. ۲۵۹.

یادداشت

درآمدی بر انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی.

عنوان دیگر

Women, Turkmen

زنان ترکمن

موضوع

Turkmen -- Selfdecoraiton

ترکمنان -- خود تزیینی

موضوع

Aesthetics

زیبایی‌شناسی

موضوع

فکوهی، ناصر، ۱۳۳۵ -، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

شناسه افزوده

HQ۱۷۳۵/۲

رده بندی کنگره

۳۰۵/۴۰۹۵۵

رده بندی دیویی

۶۱۷۶۰۷۱

شماره کتابشناسی ملی



ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: خودتزیینی زنان ترکمن: درآمدی بر انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی

نویسنده: طیبه عزت‌اللهی نژاد

ویراستار: مهناز احدی

طراح جلد: مریم اکبرزاده

صفحه‌آرا: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۳- ۲۴۰- ۴۵۲- ۶۰۰- ۹۷۸



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴- ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@rica.ac.ir

• هنر (۲۲)

پیشکش

زنان سرزمینم که همواره به زیبایی برای حفظ
هویت و قدرت تلاش کردند.

فهرست مطالب

۱.....	سخن ناشر
۳.....	پیشگفتار
۱۱.....	مقدمه

فصل اول: انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی، بدن و خودتزیینی

۲۱.....	انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی
۳۵.....	گسترش حیطه‌های مطالعاتی در انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی
۴۷.....	انسان‌شناسی بدن و خودتزیینی
۶۵.....	انسان‌شناسی لباس و زیورآلات

فصل دوم: قوم ترکمن، زن، زیبایی

۷۷.....	قوم ترکمن
۹۳.....	زن در فرهنگ ترکمن
۱۰۷.....	زیبایی در فرهنگ ترکمن

فصل سوم: خودتزیینی زنان ترکمن

۱۲۷.....	پوشش زن ترکمن
۱۴۱.....	رنگ در فرهنگ ترکمن
۱۴۹.....	ساختار ظاهری پوشاک
۱۵۵.....	زیورآلات سنتی

فصل چهارم: زیبایی شناسی بومی، خودتزیینی زنان ترکمن روستای دویدوخ

۱۷۵.....	ترکمن‌های روستای دویدوخ
۱۸۹.....	زیبایی شناسی بومی
۲۱۱.....	خودتزیینی زنان
۲۳۵.....	نقش خودتزیینی در جامعه دویدوخ
۲۴۳.....	بدن در جامعه دویدوخ
۲۵۹.....	فهرست منابع

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله‌محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است.

این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به‌عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های موردنیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف کالاهای فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای

پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود تاکنون، آثار پژوهشی متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» و نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

پیشگفتار

انسان‌شناسان و پرسمان «زیبایی» قومی

کتابی که در دست دارید، نتیجه کار یکی از انسان‌شناسان کوشا و از همکاران مؤسسه انسان‌شناسی و فرهنگ است که سال‌هاست در زمینه هنر و فرهنگ قومی مطالعه و کار دانشگاهی و علمی می‌کند. وی از نسلی جوان است که باید انسان‌شناسی آینده این علم را در ایران بسازد: کاری که به‌خودی‌خود، پروژه‌ای بزرگ به‌شمار می‌آید و به چشم‌اندازی گسترده و داشتن صبر و پیگیری و کوشش‌های سختی نیاز دارد. این کتاب همچنین، تلاشی است برای ارائه روایتی تحلیلی-توصیفی از یکی از مهم‌ترین و ناشناخته‌ترین اقوام ایرانی، ترکمن‌ها، که با درنظر گرفتن چند محور مصداقی یعنی بدن، خودآراستن یا خودپیراستن و نظریه زیبایی انجام گرفته است. بنابراین می‌بینیم که کاری است درخور توجه که بدون شک مانند هر کار علمی، ممکن است کاستی‌هایی هم داشته باشد که باید به دست خود نویسنده و منتقدان دلسوز و در چارچوب برنامه‌ای مطالعاتی و پژوهشی درازمدت تکمیل شود و به پژوهش‌هایی بیشتر و بهتر بینجامد. در مقدمه‌ای کوتاه که به خواست نویسنده بر این کتاب می‌نویسم، قصدم آن است که درعین قدردانی

از کار علمی ایشان و آرزوی بهتر شدن هرچه بیشتر کارهای بعدی در این زمینه، مشکلات پیش رو در این زمینه‌ها را که در انسان‌شناسی امروز ایران و جهان وجود دارد، به‌صورتی موجز بیان کنم. نقد و ارزیابی تخصصی این کتاب در حوزه زیبایی‌شناسی، مطالعات بدن و مطالعات قومی کاری است که متخصصان و علاقه‌مندان به این حوزه‌ها می‌توانند در آینده انجام دهند و به بهتر شدن محتوای کتاب، پیرایش بیشتر آن از مشکلات احتمالی و از همه مهم‌تر به دامن زدن به مطالعات بعدی و پُربارتر کمک کنند.

همان‌گونه‌که بیان شد، کتاب با سه موضوع حساس و مناقشه‌برانگیز درگیر می‌شود: نخست، «مطالعات زیبایی‌شناسی» یا همان‌گونه‌که در عنوان به‌صورت دقیق‌تر آمده است «انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی»؛ دوم، حوزه «مطالعات بدن» و اگر خواسته باشیم به زبان مارسل موس سخن بگوییم: «فنون بدنی»؛ و سوم، حوزه موسوم به «مطالعات قومی». گردهم آمدن این سه حوزه، هم لزوماً کار ساده‌ای نیست و ممکن است به‌خودی‌خود، قابل تأمل و مشکل‌ساز باشد. اما، ما در اینجا به این موضوع نمی‌پردازیم، بلکه بیشتر تلاش خواهیم کرد به هریک از این سه حوزه، به‌صورت جداگانه، در چارچوب عمومی نظریه انسان‌شناختی اشاره‌ای داشته باشیم تا سپس در انتها به نتیجه‌ای درباره کتاب برسیم.

نخستین موضوعی که ما را با خود درگیر می‌کند، مسئله «زیبایی‌شناسی» است که به‌صورت عام در همه شاخه‌های انسان‌شناسی و به‌طور خاص در انسان‌شناسی، با پارادایم «هنر» و مفهومی پیوند می‌خورد که درست یا نادرست به این واژه داده شده و از فرهنگ اروپایی به کل جهان و از زمان حاضر به کل زمان‌ها تعمیم یافته است. نگاه به زیبایی و نگاه به مفاهیمی چون «سلیقه» - به شیوه‌ای که بوردیو در کتاب تمایز انجام داده است - یا بحث شناختی که انسان‌شناس‌ها، از کلود لوی استروس در اندیشه وحشی گرفته تا فیلیپ دسکولا در فراسوی طبیعت و فرهنگ، به آن پرداخته‌اند و یا مباحث مربوط به هویت‌سازی زیباشناسانه و درک جهان به‌منزله مجموعه‌ای از حس‌ها به‌گونه‌ای که باز از لوی استروس در انسان‌شناسی ساختاری و درباره

سرخ‌پوستان آمریکای لاتین تا فرانسیس بوآس و رابرت لیتون با آن روبه‌رو بوده‌ایم و بیشتر با عنوان «انسان‌شناسی هنر» در معنی کلاسیک و نه مدرن آن مطرح است؛ و سرانجام نگاهی مدرن‌تر که از حوزه نقد ادبی مثل رولان بارت در کتاب *امپراتوری نشانه‌ها* و اومبرتو اکو در کتاب *تاریخ زیبایی و تاریخ زشتی* انجام شده است، همگی نشان‌دهنده آن هستند که در وهله نخست نیازی گسترده به پشت سر گذاشتن مفاهیم زیبایی‌شناسی فلسفی، به‌گونه‌ای که از یونان باستان تا زمان کانت انجام می‌شد، در انسان‌شناسی کنونی و کاربردپذیر در جوامع مدرن شهری، روستایی یا عشایری وجود دارد؛ و در مرتبه دوم، نظریه‌هایی که در این زمینه می‌توان ارائه داد، به تعداد میدان‌هایی که با آن‌ها روبه‌رو هستیم می‌توانند متفاوت باشند. این نکته‌ای است که به‌خصوص در زمینه قومی-محلی صدق می‌کند؛ یعنی جایی که ما با خاص‌گرایی بسیار بیشتری سروکار داریم و عناصر جهان‌شمولی کمتر هستند، اما حتی در موقعیت‌های شهری مدرن، نظیر کاری که بوردیو در کتاب *عشق هنریا با عکاسی هنرمیان‌مایه* و البته در *تمایز* یا بارت در *اسطوره‌شناسی امروز* کرده است، سخن گفتن از جهان‌شمولی بسیار تعمیم‌یافته ما را با بن‌بست روبه‌رو می‌کند و می‌بینیم که حتی در برابر اندیشمندانی به قدرت بارت و بوردیو می‌توان برجسب «فرانسوی بودن بیش از اندازه» زد، کاری که به‌صورت گسترده‌ای انجام شده است. البته وقتی به زمینه‌هایی عام‌تر مانند تبارشناسی‌های فوکویی یا مقولات فلسفی وی در مثلاً کتاب *کلمات و اشیاء* وارد می‌شویم، وضعیت متفاوت است و نشانه‌شناسی نیز به‌ویژه با چهره‌ای چون اومبرتو اکو، اصولاً راه دیگری را پیش گرفته است که شاید از نظری با دنیای امروز خوانایی بیشتری هم داشته باشد. اما به‌رروی به‌باور ما، نیاز به نظریه‌پردازی ترکیبی و در سطح میدان یا به‌اصطلاح انسان‌شناسانه کلمه، ارائه نظریه‌ای «درونی» (امیک) در کنار نظریه برونی (اتیک) و ترکیب این هر دو با موقعیت بازتابندگی^۱ ضروری

است. زمانی که ما با مؤلفی روبه‌رو هستیم که از مقولات زیباشناسانه یکسانی در موضوع کار خود روبه‌روست، این فشار و این رسالت دوچندان می‌شود و بی‌شک این کاری بس دشوار و طاقت‌فرساست که به تمرین پژوهشی و مطالعات درازمدت و پیگیرانه نیاز دارد. اما کاری نیست که بتوان نادیده گرفت؛ زیرا با مرور نظریات زیباشناسی در نزد مؤلفان و اندیشمندان گوناگون، ممکن است ما به رساله‌دانشگاهی مفیدی برای تدریس برسیم، اما هرگز به قابلیت بیشتری برای درک این مفهوم در قالب یک بدن، یک هویت یا نگاهی هستی‌شناختی-انسان‌شناختی نخواهیم رسید. این همان چیزی است که می‌توان بدان نام «نظریهٔ محلی-جهانی» زیبایی یا هنر را داد که در اینجا منبع ما البته کتاب معروف کلیفورد گیرتز در همین زمینه است. دومین حوزه، مفهوم «بدن» است. بدن بیولوژیک ما؛ بدن شناختی ما؛ بدن هستی‌شناختی ما؛ بدن جماعتی یا بدن فردی ما به‌مثابه سوژه؛ بدن اجتماعی ما؛ بدن حسی به معنی زیباشناسانه ما، هرکدام از این مفاهیم، بدن را در موقعیتی متفاوت قرار می‌دهد که درعین‌هم‌پوشانی با سایر موارد، از آن‌ها متمایز است. مشکل در مطالعات بدن نیز از زمانی که روبر هرترز و مارسل موس این کار را آغاز کردند تا امروز، برای مثال در کارهای داوید لوبروتون در کتاب‌هایی همچون *انسان‌شناسی درد و رنج* یا *انسان‌شناسی بدن و مدرنیته*، همین است. چگونه می‌توان این پیوستگی و درعین‌حال گسستگی میان این بدن‌های متفاوت را، زمانی که موضوع ما بنا بر تعریف موضوعی «زیباشناسانه» یعنی «حسی» است، از یکدیگر جدا و سپس با یکدیگر تلفیق کنیم؟ آیا می‌توان از «حس جمعی» سخن گفت بی‌آنکه دچار خطایی زبانی یا شناختی شد؟ آیا می‌توان از زیباشناسی جماعتی یا قومی سخن گفت؟ آیا در چنین حالتی بیشتر، به‌قول فوکو، وارد منطقی از تقلیل‌دهندگی هنجارمند نمی‌شویم که مقولات قدرت را، از طریق تبدیل آن‌ها به مقولات زیبایی و هنجارهای تنش‌زدا، به ابزارهای اصلی سرکوب تبدیل می‌کند. پرسش

درحقیقت این است: چرا یک بدن (هر بدنی و بدن‌هایی متفاوت) باید حس‌هایی یکسان در برابر عناصر برانگیزاننده بیرونی یا درونی داشته باشد؟ چرا باید انتظار داشت که این بدن‌ها در برابر اثری هنری یا منظره‌ای طبیعی واکنش‌هایی یکسان نشان دهند؟ یا چرا برعکس باید باور داشت که این واکنش‌ها متفاوت خواهند بود؟ سهم قدرت در شکل دادن، نظم‌بخشی به تولید و بازتولید این واکنش‌ها در «تربیت» حس زیباشناسانه در بدن چیست؟ یا پرسش‌هایی به‌نظر «بدیعی» و ساده برای پاسخ دادن، مانند: چرا انسان‌ها بدن خود را آرایش می‌کنند (یا تغییر می‌دهند؟) چرا انسان‌ها تمایل دارند پوست خود را با پوستی دیگر (لباس) تکمیل کنند که فراتر از جنبه‌های کارکردی‌اش (پوشش، گرمایش) بی‌نهایت بر امکانات بیانی و معنی‌پذیری، نشانه‌شناسی و استراتژی‌های کالبدی خود و دیگران نسبت به خود می‌افزاید و کار را برای درک روابط اجتماعی سخت‌تر می‌کند؛ کاری که اروین گافمن با کتاب معروف خود درباره خویشتن در زندگی روزمره آغاز کرد، ادبیات بی‌نهایت گسترده‌ای را به همراه آورد که امروز با آثاری نظیر اندیشه هانری لوففور، دیوید هاروی و یوهانی پالاسما، در اوج خود است. بدنی که اندیشه جودیت باتلر با مفهوم «کویر» می‌گوید، باید چگونه خود را بیاراید تا هویت مبهم خویش را به هویتی دارای قابلیت خوانش تبدیل کند؟ و سرانجام، بدن ما چگونه می‌تواند همچون تفاسیری که تاریخ‌شناسی انسان‌شناختی جدید در اندیشه متفکرانی چون پیرنورا، آلن کوربن و دیگران مطرح می‌کند، بازتعریف شود تا بتوان آن را در چارچوبی هویتی تاریخی قرار داد و از فراموشی فرهنگی که می‌تواند به بی‌هویتی منجر شود، جلوگیری کند؟

سومین حوزه، «مطالعات قومی» است. برای انسان‌شناس به‌ویژه در کشور ما، نه فقط در این کشور بلکه در بسیاری از مراکز اصلی زایش این علم به‌ویژه فرانسه، امروز خطر سقوط در تمایل به حفظ مقولات «مردم‌شناختی» است. می‌دانیم که تاریخ مردم‌شناسی در اروپا تاریخی «شرق‌شناسانه» و استعماری و در ایران، تاریخی برگرفته از همان اندیشه‌های استعماری است که هنوز از کاربرد واژه «انسان‌شناسی»، به‌رغم همه دگرگونی‌های شناختی

و علمی، سر باز می‌زنند؛ زیرا به‌شکلی حیرت‌آور به گذشته استعماری خود وابسته هستند؛ هنوز تمایل دارند شناخت تاریخ و فرهنگ خود را از دریچه دید «ایران‌شناسی» و «شرق‌شناسی»‌های قرن نوزدهم و حداکثر قرن بیستم انجام دهند و وقتی به مطالعات قومی می‌رسیم، این تمایل دوچندان می‌شود. نتیجه آنکه به‌گونه‌ای از مطالعات قومی، محلی و فولکلوریک می‌رسیم که درباره سراسر این کشور طی بیش از نیم قرن انجام شده‌اند، بی‌آنکه ثمرهای، نه نظری و نه توصیفی، در بر داشته باشند. آیا امروز کسی می‌تواند واقعا به پرسش‌هایی نظیر این‌ها پاسخ دهد؟ چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان زیباشناسی کردها و لرها، شهرنشینان و روستانشینان، عشایر و شهری‌ها، مردم شمال و جنوب و غرب و شرق ایران وجود دارد؟ و این امر ما را به دوگانه‌ای کشانده است که بی‌نهایت ارزش کارهای علمی را در زمینه مطالعات قومی از بین می‌برد: از یک‌سو اندیشه نژادپرستی جدیدی که با عنوان «اندیشه ایران‌شهری» به راه افتاده است و نظریات ملی‌گرایانه افراطی متعلق به ابتدای قرن بیستم و حتی قرن نوزدهم را تبلیغ می‌کند که نه فقط در اروپا بیش از صد میلیون نفر را به کشتن داد، بلکه در خود ایران نیز منشأ مصیبت‌های بی‌شماری بود و بنا بر این اندیشه اصولاً پرداختن به موضوعاتی نظیر این کتاب بی‌معناست؛ زیرا ما همه باید سلیقه‌ای «ملی» داشته باشیم و مشخص نیست که این زیباشناسی ملی از کجا آمده است و آفریده کیست و چیست. زیرا به‌رغم گستره بزرگ میراث فرهنگی ما و درست برعکس، به‌دلیل این گستردگی، تلاش برای یکسان‌سازی آن، تلاشی بی‌خرदानه است که ناچار است پیوسته به تحریف تاریخ و فشار و سرکوب موقعیت موجود دست بزند تا بتواند از یکپارچگی سلیقه‌ها و سبک‌های زندگی سخن بگوید که مردم و انسان‌های مختلف در نقاطی به تفاوت نقاط پهنه سرزمینی ما در گذشته و حال داشته و دارند: چیزی بی‌خرदानه‌تر از این نمی‌توان عنوان کرد که حتی با زور و استفاده از ایدئولوژی‌های فاشیستی نیز هرگز نتوانسته است در هیچ‌کجای جهان به تحقق برسد، اما متأسفانه در کشور ما درست

به دلیل همین بی‌خردی، خریداران زیادی دارد. اما سوییۀ دیگر این جریان نیز می‌تواند ما را به یک خاص‌گرایی جماعت‌گرا و درنهایت یک فولکلوریسم توصیفی و خالی از معنی برساند که قدرت و زور و سرکوب را از نقطۀ مرکزی به نقطۀ محلی منتقل می‌کند. در اینجا، هرچند انتقال مکانیکی از یک نقطه به نقطۀ دیگر انجام شده، منطق همان است: نوعی خودبیبگانگی که می‌تواند یا در کالبد به اصطلاح «ملی» انجام گیرد یا در کالبدهای «قومی»، «قبیله‌ای» و... این خطری است که همهٔ پژوهشگران مطالعات قومی را تهدید می‌کند و باید نسبت به آن با رویکردی بازتابنده، هشیار بود.

سرانجام باید گفت که مؤلف در این کتاب توانسته است تاحدی از این خطرات برحذر باشد و بدین ترتیب، در شمار نقاط آغازین قرار گیرد که برای گذار ما به انسان‌شناسی زیبایی اقوام لازم است. در این زمینه، هنوز جای صدها و بلکه هزاران اثر دیگر خالی است و چه خوب بود اگر پژوهشگران و سیاست‌گذاران پژوهشی ما، به این نکته بیشتر می‌اندیشیدند که با توجه به توان بزرگ علمی موجود در کشور، به چنین کار بزرگی امکان دهند. ما امروز نیروهایی بسیار اندیشمند، جوان و آمادۀ کار داریم که می‌توانند برنامه‌های پژوهشی از این دست را دنبال کنند تا بتوانیم امیدوار باشیم که در آینده‌ای دور یا نزدیک، اشباح تیرهٔ «شرق‌شناسی» و «قوم‌شناسی» در معنی استعماری و سلطه‌گرانهٔ آن را از خود و از پهنۀ فرهنگی خود دور کنیم و همین بتواند پلی باشد نه برای جدایی از جهان، بلکه برای قرار گرفتن هرچه بیشتر و بهتر در مجموعهٔ پژوهش‌های زیباشناسانه و هنر که امروز با گسترش و عمق هرچه بیشتری در محیط آکادمیک و پژوهش و نقد هنری در دست انجام هستند.



پژوهش‌های زیبایی‌شناسی
فردت‌نگار ایرانی

نظریه‌های زیبایی‌شناسی امروز متأثر از دیدگاه غربی بوده؛ درحالی‌که حوزهٔ انسان‌شناسی منتقد این روند است؛ زیرا معیارهای زیبایی و زیبایی‌شناسی در هر جامعه‌ای با توجه به ساختار آن تعریف می‌شود، از همین روی در سال‌های اخیر، تحولی بزرگ در انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی رخ داده و آن "توجه به معیارهای جوامع مختلف" است. زیبایی و زیبایی‌شناسی در این کتاب از دید افراد روستای دویدوخ بیان می‌شود و این نخستین باری است که مولفه‌های زیبایی خودتزیینی زنان از زبان و متن جامعه بومی برمی‌آید و امید است راهگشای پژوهش‌هایی غنی در این راستا باشد.

ISBN: 978-600-452-240-3



9

786004

522403